

کارلو گینزبورگ تاریخدان معاصر

توجه دریایی

۲۱۳

یکی از معروفترین تاریخدانان امروز جهان کارلو گینزبورگ می باشد که در خانواده یهودی در ایتالیا متولد شد. مطالعات خود را در ایتالیا گذراند و در دهه ۱۹۸۰ در دانشگاه بلونیا مشغول به تدریس تاریخ اروپا شده و اکنون چندین سال است که نیمی از وقت خود را در دانشگاه بلونیا و نیمی دیگر را در دانشگاه یوسی ال UCLA در آمریکا می گذراند. اهمیت مطالعات او درباره تاریخ اجتماعی بخصوص جادوگران و جادوگری و اثرات آن در اوضاع فکری و باورهای مردم اروپا در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی می باشد. اولین کتاب او که به زبان انگلیسی در سال ۱۹۸۰ به ترجمه رسید، پنیر و کرم نام داشت^۱ که به حق یکی از شاهکارهای تاریخ نگاری و تاریخ نویسی در دوره معاصر می باشد. موضوع کتاب گینزبورگ نگاهی به جو فکری مردم در ایتالیای آن زمان می باشد. شخص اصلی کتاب آسیابانی است به نام دومینیکو اسکندلا که در طول کتاب به نام منوکیو نام دارد که به جرم جادوگری به دادگاه کشیده شده و محاکمه می شود. گینزبورگ با مطالعه رکوردهای دادگاه سعی کرده طرز تفکر این آسیابان و دادستان و دیگر دست اندرکاران در دادگاه را مدنظر قرار دهد. شاهکار او در اینست که با مطالعه سخنان این

1 - C. Ginzburg, *(Il formaggio e i fermi, 1976), The Cheese and the Worms*, Johns Hopkins University Press, 1992.

اشخاص (زکورد دادگاه) توانسته جو فکری باورهای مذهبی و عامیانه مردم نقطه‌ایی از اروپا (ایتالیا) را در قرن شانزدهم نشان دهد.

آنچه درباره منوکیو جالب بنظر می‌رسد اینست که او با ادیبان جهان در آن زمان آشنا بوده و حتی قرآن را نیز مطالعه کرده بود و در دفاع از خود او درباره آغاز جهان چنین می‌گوید که زمین، هوا، آب، و آتش با هم مخلوط شده و در اختلاط آنها یک جسم (زمین) بوجود آمد، همانند پنیر که از شیر بوجود می‌آید و کرم در آن پیدا می‌شود. در پایان او را خواهند سوزاند ولی با نگاه به رکوردهای دادگاه، گینزبورگ توانسته در افکار مردم اروپا رخنه کند و آنها را به ما بشناساند. این کتاب با برخوردهای متفاوتی روبرو شد و گروهی آن را دور از حیطه آکادمیک شناختند، ولی سپس گروهی دیگر آن را مورد ستایش قرار داده‌اند و اکنون یکی از معروفترین کتابهای تاریخ در دنیا می‌باشد.

همانطور که گفته شد تمرکز کار او درباره جادوگری و اهمیت آن برای جامعه اروپا می‌باشد. او در سال ۱۹۶۶ کتابی به نام جنگهای شب^۱ به چاپ رسانیده بود که درباره گروهی یا فرقه‌ایی به نام بندانتی (Benandanti) در شهر فرولی (Friuli) به اتهام جادوگری مورد محاکمه قرار می‌گیرند. گینزبورگ نشان داده که این گروه که همگی دهقان بوده‌اند باور داشتند که در طول سال با نوشیدن معجونی در طول شب که به آنها قدرت دید آنچه که در غیر آن صورت شیاطین نامرئی بوده‌اند برای سلامتی کشتزار خود با آنها می‌جنگیدند. نه تنها باورهای این گروه شاخص باورهای مردمی است که بدون این متون نمی‌شد آنها را شناخت، و او نشان داده که در حقیقت این برخورد قضات (شهرنشینان) با بندانتی (دهقانان) همانند یک جنگ طبقاتی بوده که باورهای همدیگر را نمی‌توانستند درک کنند و به همین دلیل فرقه بندانتی بعنوان شیطان‌پرستان و جادوگران شناخته شده بودند. این دهقانان طرفدار فرقه باوری (fertility cult) باور داشتند که می‌توانند از بدن خود دور شده و با جادوگران و شیاطین بجنگند، و از این طریق از کشتزار خود را مواظبت کنند.

دو موضوع مهم در رابطه با کار گینزبورگ درباره مبحث جادوگری و بطور کلی اهمیت «تاریخ نگاری» (micro history) مطرح می‌باشد. یعنی با مطالعه مسئله یا پدیده‌ایی در نقطه‌ایی در زمان معینی، شکلی کلی از افکار آن جامعه را می‌توان نمایان کرد. او به تاریخ هنر نیز نظر افکنده و با همین دید «تاریخ نگاری» کتابی به نام معمای پیرو در سال ۱۹۸۱ نوشته که

1 - (I Benandanti, 1966), *Nights Battles: Witchcraft and Agrarian Cults in the Sixteenth and Seventeenth Centuries*, Johns Hopkins University Press, 1992.

Carlo Ginzburg

The
Cheese
and the
Worms



The Cosmos of a Sixteenth-Century Miller

Translated by John and Anne Tedeschi

۲۱۵

نقاشی‌های پیرو دلافرنجسکا را مورد مطالعه قرار داده^۱ است و با توجه به جزئیات نقاشی‌های او درباره حامیان نقاش و جنگ و جدلهای سیاسی زمانه مطالبی را ذکر کرده است.

در رابطه با مسئله جادو و جادوگری گینزبورگ کار خود را ادامه داد و در سال ۱۹۸۹ کتاب دیگر خود را با عنوان *خلسه‌ها: کشف اجماع جادوگران*^۲ به چاپ رساند. در این کتاب گینزبورگ درباره جادوگران و استفاده آنها از داروهای هذیانی مطالعه‌ای کلی انجام داده است. او جادوگرانی را که زن بوده و دنباله‌رو فرقه باستانی اروپایی بوده‌اند که پرستنده الهه‌ای که بانو حیوانات بوده و فرقه شمنی آسیایی بوده را مطالعه کرده و اعمال این جادوگران شامل تغییر شکل به صورت حیوانات، پرواز در شب، اجماع در شب، و سفر به سرزمین مردگان می‌بوده. این کتاب گینزبورگ از آنجا حائز اهمیت است که درباره ایران و گذشته شمنی ایران نیز نکاتی بازگو کرده و می‌تواند مسئله قدیمی رابطه آئین شمنی با مذهب هند و ایرانی را روشن‌تر کند.

آنهايي که با ایران باستان آشنایی دارند می‌دانند که استفاده از هوم (Hom)، می (may) و نوشیدنی‌های دیگر مانند منگ و یشتاسپ که مخلوطی از هوم و شراب و حشیش بوده توسط

1 - *The Enigma of Piero: Piero Della Francesca*, New Left Books, 2000.

2 - *Ecstasies: Deciphering the Witches Sabbath*, Penguin, 1992.

آنها جاماسپ، گشتاسپ، ویراز، و کردیر توانستند به دنیای دیگر سفر کنند و حقانیت دین مزدیسنا را به مردم ثابت کنند. در اوستا از گرگان «دوپا» نام برده شده که باعث رنج به دینان هستند و به آنها حمله می‌کنند و آیین پلیدی دارند. آیا قبیله سکائی haumavarka از دو کلمه «هُوم» و «گرگ» ساخته نشده است؟ یعنی آنها با نوشیدن هُوم تبدیل به گرگان می‌شوند. این گذشته ایرانیان پس از زرتشت نیز در باورهای ایرانیان باقی ماند و من سعی کرده‌ام که درباره این مسائل مطالعاتی انجام دهم که مورد حمله «حزب نازی ایران» قرار گرفت و باعث تهدید من شد.^۱

یکی دیگر از مهمترین کار او کتابی است که به نام مدرک، اسطوره، و متد تاریخی نام دارد.^۲ این کتاب که در سال ۱۹۸۶ چاپ شد شامل یک سری مقاله درباره مسائل مختلفی از تاریخ نگاری می‌باشد. مهمترین مقاله این کتاب درباره اسطوره آلمانی و نازیسم می‌باشد که بررسی کتابی است که هند و اروپایی‌شناس معروف ژرژ دومزیل در زمان جنگ جهانی دوم در زمان قدرت نازی‌ها درباره اسطوره آلمانی نوشته بود.^۳ این کتاب دومزیل در زیر نفوذ کتاب دانشمند نازی دیگری بنام اتو هُفلر نوشته شده که درباره جامعه مردمان (Männerbund) در آلمان است. این کتاب‌ها باعث نوشته شدن کتابهای دیگری توسط کسانی که زیر نفوذ نازیسم بودند، مانند کتاب استیگ ویکندر با نام جامعه مردان آریایی^۴ که تمدن هند و ایران را نیز در بر گرفته بود. مسئله مورد مطالعه نظریه این دانشمندان نازی نیست، بلکه اینکه نظریات آنها چگونه دستخوش اثرات زمان خود قرار گرفته و با نگاه دقیق به نحوه بازگو کردن اساطیر و جامعه آریایی (آلمانی، هندی، و ایرانی) تعصب آنها را نمایان می‌کند.

کتابهای دیگر گینزبورگ نیز درباره تاریخنگاری و اذیت و آزار گروه‌ها یا اقوام می‌باشد. در

۱- در نامهایی که از این حزب به سردبیر نامه ایران باستان دریافت شد متهم شدم که نه تنها به نژاد آریایی تهمت زده‌ام، بلکه به حزب نازی و نازی‌ها اتهامات نادرست زده‌ام. سپس نویسنده نوشته بود که حتماً موهای مجعد و سیاه دارم و سامی می‌باشم.

2 - (*Mili emblemii spie: morfologia e storia*, 1985) *Clues, Myths, and the Historical Method*, Johns Hopkins University Press, 1989.

3 - «Germanic Mythology and Nazism: Thoughts on an Old Book by Georges Dumézil,» *Clues, Myths, and Historical Method*, pp. 126 - 145.

4 - S. Wikander, *Der Arische Männerbund*, Lund, 1938.

HISTORY, RHETORIC, AND PROOF

CARLO GINZBURG

کتاب قاضی و تاریخدان^۱ گینزبورگ مقایسه‌ایی ما بین آزار گروه‌های سیاسی در دهه ۱۹۶۰ و دادگاه‌هایی که بر علیه جادوگران در قرن شانزدهم و هفدهم وجود داشته انجام داده است. در کتاب دیگر او به نام چشمان چوبین: نه چشم‌انداز بر فاصله^۲ درباره اینست که چقدر باید از واقع‌ای دور بود تا بتوان آن را به درستی مشاهده و یا بررسی کرد. پس مطالعه اصلی او اینجا درباره رابطه ما بین فاصله و چشم‌انداز و مسئله بی‌طرفی یا بی‌نظری برای یک تاریخدان می‌باشد. این سوالی‌ست که همه تاریخدانان از خود می‌پرسند که چگونه می‌توان بی‌طرف (objective) بود و از درون‌گرایی (subjectivity) دور شد. در آغاز کتاب گینزبورگ می‌گوید «من یک یهودی هستم که در کشوری که کاتولیک بود بزرگ شدم. من هیچ‌گاه تعلیم مذهبی ندیده‌ام، هویت یهودی من بطورکلی بخاطر آزار می‌باشد.» در کتاب آخرش به نام تاریخ، علم بیان، و سند^۳ یک سلسله سخنرانی در رابطه با علم بیان (rhetoric) با تاریخ‌نگاری (historiography) می‌باشد. این کتاب او پیچیده‌تر از دیگر کارهای اوست فصل اول درباره رابطه علم بیان و تاریخ

1 - *The Judge and the Historian: Notes on a Late - Twentieth - century...* Vergo, 1999.

2 - *Wooden Eyes: Nine Perspectives on Distance*, Columbia University Press, 2001.

3 - *Historian, Rhetoric, and Proof*, Brandeis & New England, 1999.

می‌باشد و چگونه تاریخ دانان امروزی باور داشته‌اند که در یونان آن فیلسوفانی که در علم بیان تبحر داشتند با تاریخ رابطه‌ای نداشتند و آنرا علمی پست تر می‌دانستند. گینزبورگ این باور را کاملاً قبول نمی‌کند و بر این اندیشه است که حتی ارسطو که محور این فصل می‌باشد سند یا گواه را اصل درونی علم بیان می‌داند که اصلی است برای تاریخ. پس فاصله چندانی ما بین علم بیان و تاریخ وجود ندارد. فصل دوم درباره شخصی بنام لورنزو ولا می‌باشد که در قرن پانزدهم می‌زیسته. او حامی آلفونس آرگون، که علیه پاپ - یوجین چهارم - بود، مقالاتی نوشت. ولا نشان داد نوشته‌ایی که طبق آن امپراطور روم (بیزانس) کنستانتین یک سوم امپراطوری خود را به کلیسا بخشیده بود جعلی است. با این کار او اولین قدمها را برای مطالعه به سبک یک تاریخ دان امروزی را برداشته و اعتبار اسناد را مدنظر قرار داده است.

در نظر کلی باید گفت که مطالعات گینزبورگ یکی از بهترین و با ابتکارترین کارهایی است که در حیطه تاریخنگاری انجام شده است. او نه تنها درباره تاریخ قرون وسطا و دوره رنسانس مطالعات مهمی انجام داده بلکه تاریخ معاصر اروپا و رابطه این دوران را روشن کرده و به واسطه رسانه جادوگری و مسئله آزار نشان داده چگونه می‌توان فرهنگ خلقی و اوضاع طبقاتی را در تمام دوره‌ها دریافت. این طریقه نگاه به جامعه اروپایی می‌تواند نه تنها الگوی مفیدی برای مطالعه جامعه خاورمیانه و ایران باشد، بلکه نظرات او درباره نازیسم و اثرات آن بر مطالعات هند و اروپایی راهگشای اثرات این نوع مطالعات در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ و بر مطالعات ایران باستان می‌باشد.

منتشر شد:

جنگ داخلی تاجیکستان

(۱۹۹۷ - ۱۹۹۲)

تألیف: آستریدفن برکه - والننتین بوشکف آشوت - مانوچهریان

ترجمه: لادن مختاری - علی رحمانی

تهران - خیابان شهید باهنر - خیابان شهید آقایی - انتشارات دفتر

مطالعات سیاسی و بین‌المللی